

The waqf's evidence of Khanom Zanjan mosque and school

Maziyeh Mortazavi Ghasabsaraei*

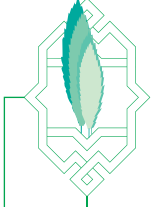
Abstract

Women have been present in various social, economic, cultural and political fields in different historical periods; but for some reasons, their role has not been recognized as it should be and most of their services have been forgotten. One of the fields where women played a prominent role is the field of waqf as a social and cultural institution. Among these women is Jamileh Khanom, the daughter of Hossein Qoli Khan, Nazem al-Dowleh Zolfaqari, who in 1323 AH initiated the construction and waqf of a mosque-school in the city of Zanjan which is named after her, Khanom Mosque and School. The purpose of this article is to analyze the content of this waqf's evidence petition in a descriptive way.

Key words: Waqf, Mosque, School, Jamileh Khanom, Zanjan.

*. PhD in the history of Islamic Iran

Mortazavi.qh@gmail.com



رسالة الوقف لمسجد و مدرسة خانم زنجان

مرضيه مرتضوى قصاب سرايى*

الخلاصة

لقد كان للمرأة حضور فعال في مختلف المجالات الاجتماعية و الاقتصادية و الثقافية و السياسية في فترات تاريخية مختلفة، و لكن لأسباب خاصة لم يتم الاعتراف بدورها كما ينبغي، و نسيت معظم خدماتها. و من المجالات التي لعبت فيها المرأة دورا بارزا هو مجال الوقف كمؤسسة اجتماعية و ثقافية. و من تلك النساء جميلة خانم ابنة حسين قلي خان ناظم الدولة ذو الفقاري المتوفى سنة ۱۳۲۳هـ (۱۹۴۴م). التي بادرت ببناء و وقف مسجد يدرس فيه في مدينة زنجان، و الذي سمي باسمها مسجد و مدرسة خانم. الغرض من هذه المقالة هو مراجعة محتوى رسالة الوقف هذه بطريقة وصفية

كلمات مفتاحية: وقف، مسجد، مدرسة، جميلة خانم، زنجان

*. دكتوراه في تاريخ إيران الإسلامية

Mortazavi.qh@gmail.com

وقفنامه مسجد و مدرسه خانم زنجان

مقاله پژوهشی

مرضیه مرتضوی قصاب سرایی*



چکیده

زنان در ادوار مختلف تاریخی در عرصه‌های متعدد اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی حضور مؤثری داشته‌اند اما به دلایل خاص نقش آنان آن طور که باید شناسانده نشده است و اغلب خدمات آنان به فراموشی سپرده شده است. یکی از عرصه‌هایی که زنان نقش تا حدودی پررنگ داشتند عرصه وقف به عنوان یک نهاد اجتماعی و فرهنگی است. یاز جمله این زنان جمیله خانم دختر حسینقلی‌خان ناظم‌الدوله ذوالفقاری است که در سال ۱۳۲۳ق. مبادرت به احداث و وقف مسجد- مدرسه‌ای در شهر زنجان کرد که به نام وی مسجد و مدرسه خانم نامیده شده است. هدف مقاله حاضر بررسی محتوایی این وقف‌نامه طوماری به شیوه توصیفی است.

کلید واژه: وقف، مسجد، مدرسه، جمیله خانم، زنجان



مقدمه

از موضوعاتی که در بررسی اسناد موقوفات و مطالعه وقفنامه‌ها جلب توجه می‌کند موقوفات بانوان است. شمار زیادی از رقبات کوچک و بزرگ وقفی در شهرهای مختلف ایران موجود است که واقف آنها زنان بوده‌اند. یکی از مهمترین رقبات وقف شده از سوی بانوان مساجد- مدارس هستند که علاوه بر علقه‌های قوی مذهبی نشان از دغدغه بانوان در زمینه آموزش و فرهنگ و بالا بردن سطح اعتلای علم و دانش طلاب و دانش آموزان دارد. از جمله این بانوان واقف جمیله خانم بانی مسجد-مدرسه خانم در زنجان است. وی دختر حسینقلی‌خان ناظم‌الدوله ذوالفقاری^۱ و آسیه خانم، دختر میرزا ابراهیم‌خان سرتیپ خمسه (مظفرالدوله) و خواهر ذوالفقارخان اسعدالدوله^۲ بود. وی در سال ۱۲۹۱ق. با رضاقلی‌خان فخیم‌الدوله امیر تومان، پسر ابراهیم‌خان مظفرالدوله^۳ ازدواج کرد. پس از فوت رضاقلی‌خان، جمیله خانم بخشی از دارایی‌های او را در سال ۱۳۲۳ق. صرف احداث مسجد و مدرسه ای روبروی منزلش در کوچه فخیم‌الدوله نمود. این مسجد بزرگ، در سمت جنوبی و مدرسه مستقل آن با حجرات و صحن در کنار آن قرار دارد.^۴ جمیله خانم در سال ۱۳۲۶ ق. طی وقفنامه‌ای مفصل این دو بنای عام‌المنفعه را وقف کرد. نامبرده قبل از اتمام احداث این مسجد و مدرسه وفات یافت و جنازه‌اش مدتی در همان مسجد به امانت گذاشته و مدتی بعد به عتبات عالیات اعزام و در وادی السلام به خاک سپرده شد.^۵ به موجب این وقف نامه طوماری شکل جمیله خانم تنها دخترش فمرتاج خانم احتجاب‌السلطنه را متولی مدرسه قرار داد. پس از وی پسرش احمدخان منیع‌الدوله تولیت آن را بر عهده گرفت و

۱. حسینقلی‌خان افشار (ملقب به ناظم‌العداله) فرزند محمدقلی‌خان افشار و نوه ذوالفقارخان افشار، از شعرای و خوشنویسان دوره فتحعلی شاه بود. او جزو ملتزمین عباس میرزا بود و از این رو در شعر چاکری تخلص می‌کرد. (ویکی پدیا)

۲. ذوالفقارخان افشار اسعدالدوله (متوفی ۱۳۳۵ق.) از خوانین زنجان و فرزند حسین‌قلی‌خان افشار «ناظم‌العداله» فرمانده فوج سوار خمسه بود. وی در فتح هرات (۱۲۷۲ و ۱۲۷۳ ق) با سواران خود در کنار مرادمیرزا حسام‌السلطنه پسر عباس میرزا جنگید و چون با فتح و پیروزی بازگشت مورد لطف شاه قرار گرفت. ناصرالدین شاه به وی درجه سرتیپی و لقب اسعدالدوله داد و او را به حکومت زنجان منصوب کرد. او مردی متدین و شجاع و مورد احترام بود. پل معروف به پل سردار از آثار اوست. (عاقلی، باقر، شرح رجال سیاسی و نظامی معاصر ایران، تهران: نشر گفتار، ۱۳۸۰، ج ۲، ص ۶۹۷)

۳. امیرابراهیم‌خان مظفرالدوله از فرماندهان نظامی دوران قاجار و از سرداران سپاه ایران در جنگ هرات بود. پس از فتح هرات به دستور ناصرالدین‌شاه به مظفرالدوله ملقب شد و به رتبه امیرتومانی ارتقاء یافت. او در اواخر عمر به حکومت سیستان منصوب شد و قلعه ناصری را بنیان گذاشت که اکنون به شهر زابل تبدیل شده است

۴. این مسجد که فاقد گنبد است مشتمل بر سردر ورودی با دو مناره کوتاه، صحن، شبستان تابستانی و زمستانی، حجره‌های متعدد جهت سکونت طلاب علوم دینی می باشد.

۵. قاسمی اندرود، پرستو (۱۳۹۳)، معرفی دو بانوی واقفدوره قاجار شهر زنجان، وقف میراث جاویدان، سال ۲۳، شماره ۸۵، ص ۱۲۷.

پس از آن تقی‌خان ذوالفقاری فرزند احمدخان متولی بنا گردید. این بنای تاریخی که به دست استاد اسماعیل بنا در دوره مظفرالدین‌شاه و محمدعلی شاه قاجار ساخته شده است، در اردیبهشت ۱۳۵۴ به عنوان یکی از آثار ملی ایران به ثبت رسید

بررسی محتوایی وقفنامه

اهمیت وقفنامه‌ها نه فقط در بازخوانی بلکه در بررسی و تحلیل محتوایی آنهاست که منعکس کننده افکار و اعتقادات مذهبی و دغدغه خاطر واقفان هر عصر است. وقفنامه جمیله خانم نیز از این امر مستثنی نیست و دارای شرایط بسیار دقیقی است که اهم آن شروط بیتوته و اقامت در مسجد به منظور تحصیل علم است.

۱. مورد وقف

در این وقفنامه جمیله خانم از احداث و وقف یک مسجد و مدرسه ای کنار آن در جنوب دولتخانه شهر زنجان (محل قدیمی فخرالدوله) سخن گفته است. از محتویات وقفنامه چنین مشخص می شود که این مسجد و مدرسه جنب مدرسه دیگری که متصل به آنها بوده، قرار داشته است.

۲. اقامت در مدرسه

محتویات متن حاکی از وجود ۱۲ حجره برای سکونت ۲۴ طلبه است یعنی در هر حجره دو طلبه توانمند و مستعد سکونت داشتند. از شروط سکونت و ادامه تحصیل در این مدرسه اقامت دائم طلاب بود بطوری که حتی استفاده از تعطیلات جز برای طلاب متأهل و یا کسانی که عازم زیارت عتبات میشدند جایز نبود آنها نیز طی شرایطی می‌توانستند از این امتیاز استفاده کنند به این شرط که بایستی ظرف مدت ۴۰ روز به مدرسه بازگردند و در غیر این صورت مسکن و مقرری آنها به اشخاص دیگری واگذار میشد

از سوی دیگر برای این که طلاب با خیال راحت و بدون دغدغه معاش مشغول به تحصیل باشند برای هر یک مستمری و حقوق در نظر گرفته شد آن هم بدین شرط که «شبها در مدرسه مانده مشغول مطالعه و تحصیل بوده تغافل از درس و بحث خود ننموده» مدرسه را منزل و گذران امر معیشت خود قرار ندهند، گاهگاهی آمده در حجره نشسته ساعتی به عنوان تحصیل مشغول بوده بعد در حجره را قفل زده مانع از طلبه قابل و صاحب قوه و استعداد نگردند» واقفه در ادامه مقرر نمود که هر پنج سال یک بار از

۱. اصل: نه نموده



طلّاب و محصلین مدرسه امتحان گرفته شود تا طلّاب با استعداد به اقامت و تحصیلات خود در مدرسه ادامه داده و طلّاب بی استعداد از آن اخراج گردند. وی همچنین کلیه این مسئولیت را با متولی تعیین شده خود قرار داد.

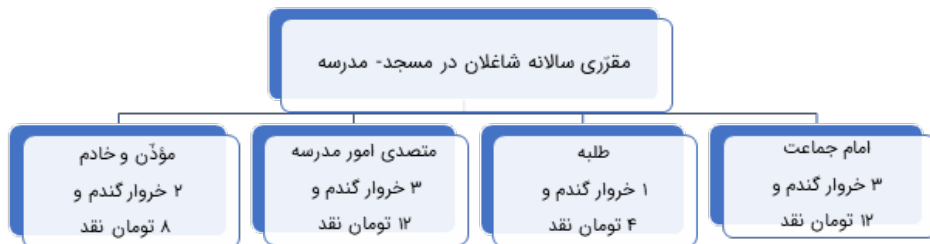
۲. کارکنان مسجد و مدرسه

برای اداره امور مربوط به مسجد و مدرسه نیاز به کارکنانی است که در وقفنامه مذکور از آنها به تفکیک نام برده شده است. وقفنامه‌ها از این منظر منبع بسیار خوبی برای آگاهی از تعداد شاغلین، سلسله مراتب، نوع فعالیت‌ها و... که به نوعی چارت سازمانی این مدارس محسوب می‌شوند، هستند.



۳. حقوق و مقرّری

تعیین پرداخت مقرّری به کارکنان مسجد و مدرسه از دیگر موارد مندرج در وقفنامه هاست. این موضوع بویژه برای طلّاب و محصلین حاضر در مدرسه از اهمیت بسزایی برخوردار است چرا که موجب میشود بدون هرگونه دغدغه خاطر از بابت تأمین معاش اهتمام جدیتری نسبت به امر آموزش داشته و منویات واقف را بخوبی محقق نمایند. با توجه به این موضوع جمیله خانم برای هر ۲۴ طلبه مشغول به تحصیل در مدرسه و متصدی اداره امور آن و نیز اما جماعت مسجد، مؤذن، مکّبر و خادم آن مبالغی نقدی و جنسی در نظر گرفته است.



سایر هزینه کردهای مسجد - مدرسه

مکتر، برف اندازی، پارو و جاروب
۱۰ تومان

روشنایی مدرسه
۱۲ تومان

روشنایی مسجد
۱۲ تومان

۴. اخراج از مدرسه

واقف برای ممانعت از هدر رفت سرمایه و جلوگیری از انحراف مسیر مدرسه از اهداف اصلی آن، متولّی و ناظر را موظف به نظارت بر وضعیت طلبّ و اخراج آن‌ها از مدرسه در دو صورت کرده است. مورد اول زمانی که از هر یک از طلبّ «فسق بر سبیل تظاهر یا ظهور خلاف مذهب» بروز و ظهور نماید و دیگر آن‌که پس از گذشت هفت سال اثری از ترقّی و پیشرفت تحصیلی در متعلّم دیده نشود. «در چنین شرایطی بر متولّی و ناظر فرض است که با اخراج وی و جایگزین شخص دیگری «مطلب اصلی که انتشار علوم دینیّه و استكمال خلقت بشریّه است، به منصّه ظهور رسد.»

۵. منابع مالی مدرسه

هر مدرسه وقفی به منظور دوام و بقای خود نیاز به منابع مالی مستمرّ در قالب وقف دارد. از این رو واقفین برای تأمین مخارج مدرسه و حفظ آن برای آیندگان رقباتی را وقف میکردند تا از منافع حاصل از آن نیازهای مدرسه تأمین شود. جمیله خانم نیز بدین منظور یک دانگ از دو دانگ قریه سهرین از قراء زنجان رود خمسه (که مهریه وی در هنگام عقد ازدواج وی با رضاقلی‌خان بود) را با کافّة منضمات آن شامل دهکده، بیوتات، عمارات، تلال، جبال، چشمه‌ها، رودها، باغها، درختان مثمره و غیرمثمره، مراتع و ... را وقف مسجد-مدرسه مزبور کرد.

۶. متولّی مدرسه

به موجب وقف نامه جمیله خانم تنها دخترش قمرتاج خانم احتجاج السلطنه را به عنوان متولّی تعیین و یک دهم از کل درآمد نقدی و جنسی رقبات وقفی را به عنوان حق التولیه قرار داد. همچنین مقرر نمود که بعد از دخترش تولیت به اورع و اصلح و اتقی اولاد او نسل در نسل با تقدم اولاد ذکور بر اناث و در صورت انقراض نسل یا عدم عدالت و صلاحیت ایشان امر تولیت متولّیّه با شخص امین متدبّین عادل صالح. تولیت در هر عصر



و زمانی اولویت دارد بر کسی که شایسته هر سه منصب باشد یعنی تولیت و امامت و تدریس. در هر صورت پس از فوت قمرتاج خانم ارشد اولاد او مرحوم احمدخان منیع الدوله و پس از وی فرزندش تقی‌خان ذوالفقاری امر تولیت را بر عهده داشته اند.

۷. مصارف وقف

طبق مندرجات وقفنامه درآمد رقبه وقفی به ترتیب اولویت بایستی به مصارف زیر

برسد:

- ۱- تعمیر، نگهداری و آبادی مسجد- مدرسه
 - ۲- دادن مواجب امام، طلاب، محصلین، مدرّس، خادم، مکتب، متصدی، مباشر، برف روبی، تأمین روشنایی مسجد و حجرات مدرسه و جاروب آنها.
 - ۳- برگزاری مراسم دهه محرم و شب‌های قدر ماه رمضان در مسجد و یا مدرسه موصوف غلیان و چایی و قهوه
 - ۴- خرید کتب علمی برای مدرسه و استفاده طلاب به شرط عدم خروج از مدرسه زیر نظر فردی امین و متورع و نیز خرید ظروف مورد نیاز طلاب
- واقفه در ادامه بیان داشت چنانچه باز هم مازد درآمدی در کار بود صرف خرید ملکی جهت مصارف مسجد و مدرسه (بر همین اساس بعدها مزرعه‌ای بنام نوهیل خریداری و به رقابت این بنا افزوده شد) و نیز تعمیرات آنها شود که در این مورد دو طریق را در نظر گرفت نخست در صورتی که مردم در سالی در وضعیت معیشتی خوبی بسر می بردند همه درآمد موقوفات صرف تعمیر مسجد و مدرسه شود و دیگر در صورت در پیش داشتن سال سخت و گرانی نرخها نصف درآمد صرف تعمیرات و نصف دیگر جهت متولی، امام جماعت، مدرس موذن خادم و طلاب هزینه گردد.

مشخصات سند

واقفه: جمیله خانم ذوالفقاری

مورد وقف: مسجد و مدرسه

نام سازنده: حاج اسماعیل بنا

موقوف علیهم: طلاب علوم دینی

خط: نسخ و نستعلیق

ابعاد: ۲۲×۷۵ سانتی‌متر

تعداد سطر: ۱۱۱

دوره تاریخی: محمد علی شاه قاجار

تزیینات: مجدول با شمسه و تذهیب کاری

منشأ سند: دنیای زنان عصر قاجار^۱

[متن سند]

«هو الواقف علی الضمائر و السرائر»، «بسم الله الرحمن الرحيم»^۲

«/ الحمد لله كما هو اهله و كلمما رام ملكه و لاحمد لاحد الا له الا له الامر و الهكم الة واحدا لا اله الا هو/ على علوه و عم آلاوه هو الله الواحد الاحد الودود و السامع الصمد لا مدرك لسقوه لا مدرك لعلوه/ لاوله لا لهو و لاو هم و لا سهو مهذ المهار سواء الطود و الوهاد له الحمد مدار كلمه و دوام ملكه/ و علمه و السلام لاکرم رسله ارسله ادلا لا لحكمه محمد رسوله و ادل معلومه لادرس له و هو مدرس/ مدرّس كل العلوم ما سُئل أحداً و كل الأسرار صار له معلوماً هو محلّ الحلال و محرّم الحرام و اله العالم/ العلماء الاعلام ... الكرام اولهم حامل لواء المحمد و اكملهم عمل ... والى العصر و العهد»^۳

/ «و بعد»^۴ / ستایش بی آلابشی که اهل اخلاص با خلوص نیت و صفا طویت اهداء بارگاه صمدیت نمایند و سپاس بلند اساسی که ارباب اختصاص در غایت/ خضوع و خشوع مختص درگاه احدیت دانند مخصوص پروردگار احد صمدی است که وقوف واقفان مواقف صوامع عالم ملکوت در بندگی^۵ و اطاعت اوست/ و سجود ساجدان مساجد و معابد اقلیم جبروت بر پیشگاه بارگاه جلال و بزرگی او مبدعی که ابنیه رفیعة افلاک از چابک دستی معمار قدرت/ کامله او کمتر نمونه‌ای است و عجائبات مختلفه مرکز خاک از ذخایر صنایع بی‌منتهای حکمت شامله او ادنی مؤونه بانی امرش به اشاره سرانگشت کن طاق/ مقرنس آسمان معلی را با زینت «و لقد زیننا السماء الدنيا بزینة الکواکب»^۶ افراشته و فرش ملون

۱. مجموعه پرستو قاسمی، سند شماره (۱۵۱۷۱۸).

۲. شنگرف، منشأ سند: دنیای زنان عصر قاجار.

۳. به رنگ بنفش.

۴. شنگرف.

۵. اصل: زنده گی

۶. مؤونه:

۷. شنگرف، آیه ۶، سوره صافات: همانا ما آسمان دنیا را به زیور ستارگان آراستیم.



زمین را به انواع تزئین/ «و لَقَدْ خَلَقْنَا الْأَرْضَ وَ جَعَلْنَا لَكُمْ فِيهَا فِجَاجاً شَبَلاً لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ»^۱ نگاشته و درود نامعدود و سلام و صلوات / نامحدود بر مقتدای نبیین و امام المرسلین و رحمت للعالمین مصداق کلام صدق انتظام «كُنْتُ نَبِيًّا وَ آدَمُ بَيْنَ الْمَاءِ وَ الطَّيْنِ»^۲ / آن که بی مشقت درس و تعلیم معلّم علوم اوّلین و آخرین و بدون تحمّل کلفت تعلیم و تدرّس مدرّس مدرّس / طبقة کزوبین آمد علّت غایبی ایجاد جمیع/ ممکنات از قبه افلاک تا خطّه خاک برهان مبین «لولاک لما خلقت الافلاک»^۳ مقدّم در تحلی به حلیه وجود مؤخّر در تجلی نور ظهور/ به عالم شهود منوعت به نعت «إِنَّكَ لَعَلَى خُلُقٍ عَظِيمٍ»^۴ موصوف به وصف «إِنَّكَ لَمُرْسَلِينَ عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ»^۵ مژده ده/ قدوم بهجت لزومش مسیح «بقوله انّی مبشّر برسولٍ و یأتی من بعدی اسمهُ أحمدُ المکرّم الاکرم الممجّد الا/ مجدّ النبّی الامّی العربی الهاشمی المصطفی محمد صلی الله علیه و اله»^۶ و بر آل اطهار و اولاد ابرار/ اخیارش مصادیق کریمه «و جعلناهم أئمةً یهدون بامرنا»^۸ مدرّس مدرّس «و علّمناهم من لدنا لنجباء/ النّقباء النّخباء الاتقیاء الازکیاء الاولیاء الاوصیاء الاصفیاء العلماء العظماء الکرماء الفصحاء/ البلغاء الرؤساء الامراء الشفعاء الشّهداء السّعداء الفقراء الفقهاء الصلحاء التّمق الشجعاء الا/ کفّاء الحنفاء الطّرفاء العتقاء الطّلقاء الکبراء النّدراء النّظرّاء الخلفاء الشّرفاء العقلاء البدلاء/ الرّفقاء السّفراء الادبّاء الاحبّاء الاجلاء الادلاء الکرام سلاماً دائماً ابدأ سرمداً/ متعالیاً متوالیاً متواتراً متکاثراً متظافراً متضاعفاً الی یوم القیامه و بعد»^۹ / بر ارباب فطانت و ذکاء اصحاب کیاست و صفا مخفی نیست که به مفادّ نصّ صریح «الدّنیاء مزرعه الاخره»^{۱۰} / هر که در این سرای عاریت همت بر اصدار اعمال شایسته کما شصت و پنج روزه زندگی^{۱۱} را به کردار نیک مصروف داشت/ و در این مزرعه هر چند زودتر تخم نیکویی کاشت و مادام الاختیار بنای رفیعی در نیکنامی افراشت ذخیره آخرت او مهیا/ و مقام او در دار خلد که تغییر و

۱. شنگرف، آیه ۱۰، سوره زخرف: همان خدایی که زمین را محل آسایش قرار داد و در آن راههایی برای شما قرار داد تا شاید هدایت شوید
 ۲. حدیث امام علی(ع): من وصی پیامبر بودم وقتی آدم هنوز در بین آب و گل بود.
 ۳. حدیث قدسی: [ای محمد] اگر تو نبودی، جهان را نمی آفریدم.
 ۴. آیه ۴، سوره قلم: به راستی که تو [محمد] صاحب اخلاق عظیم و برجسته ای هستی.
 ۵. شنگرف، آیه ۳ و ۴ سوره یس: که همانا تو از پیامبرانی. بر راه راست هستی.
 ۶. آیه ۶، سوره صف: بعد از من رسول بزرگواری که نامش (در انجیل من) احمد است بیاید.
 ۷. شنگرف.
 ۸. شنگرف، آیه ۷۳، سوره انبیاء: و آنان را پیشوای مردم ساختیم تا (خلق را) به امر ما هدایت کنند.
 ۹. شنگرف.
 ۱۰. شنگرف، حدیث نبوی: دنیا کشتزار آخرت است.
 ۱۱. اصل: زنده گی

زوالی در آن نیست معین گردید «فَطُوبَى لَه وَحُسْنُ مَآبٍ اَسِيْمَا» بانیان ابنیه رفیعه/ ابواب التبر و بقاع الخیرکه عهدی بعید و امدی مدید بر صفحه روزگار ناپایدار پایدار و برقرار و به مصداق صحیحه/ «ثَلَاثَةٌ فِی قُبُورِهِمْ وَ اَعْمَالِهِمْ فِی دِیَوَانِهِمْ» بعد از فوت و پس از موت نیز آنآ فائز فیض آن واصل و لا/ یقطع ثمر آن به تمدید متواصل آید خصوصاً بنای مساجد و معابد که نظر به حدیث صحیح « مَنْ بَنَى مَسْجِدًا كَمَفْحِصِ قَطَاةٍ/ بَنَى اللّٰهُ لَه بَيْتًا فِی الْجَنَّةِ^۳ عوض آن» متحقق الوقوع در جنت عدن است «لَهُمْ فِیْهَا نَعِيمٌ مُّقِيمٌ»^۴ سعادت مند آن که این توفیقات/ رفیق او گردد و بلندمرتبه کسی که این سعادت ابدیه را دریابد «وَ ذَلِكَ فَضْلُ اللّٰهِ يُؤْتِیْهِ مَنْ یَشَاءُ وَاللّٰهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِیْمِ»^۵ مصداق این مقال حال فرخ مآل علیا جاه مخدّره محترمه نجیبه علیه زین المستورات تاج المخدّرات العفیفه/ جمیله خانم - دامت عقبتها و زیّدت توفیقاتها- صبیّه مرضیّه رضوان علیین آشیان طوبی مکان حسینقلی خان- طاب ثراه- که توفیقات ابدیه و تأییدات/ سرمدیه شامل حال و کامل احوال آن مخدّره محترمه گردیده، مسجد و مدرسه در طرف جنوب دولتخانه و نزدیکی عمارت خود احداث و بنیاد فرموده به انضمام یک باب/ مدرس در جنب مسجد و مدرسه متصل به همدیگر به عون الله تعالی و حسن توفیقاته و محاسن تأییداته در غایت استحکام و نهایت اهتمام صورت انجام و اتمام پذیرفته/ که فی الواقع بنایی است چون عهد اهل وفا و وفاق مستحکم و متین و مانند توافق ارباب اتفاق با اجزا و ارکانی بس/ موافق و زرین چون کلام صفحاء مختصر و ملیح و همچون منظر شهداء دلگشا و صبیح «وقف مؤبّد»^۶ شرعی و حبس مخدّ اسلامی نمود/ قربتاً الی الله «وَ نِیْلًا لِمَثُوبَاتِهِ الْعُظْمَى وَ طَلَبًا لِمَرْضَاتِهِ الْقُصُوی»^۷ بر کافه اهل اسلام از متشبّثان به اذیال ائمه انام علیهم سلام الله/ المهمین السلام اما للمسجد فللمصلّین الذین هم فی صلواتهم خاشعون و «اما المدرسه فللمُحَصّلی العُلوم/ لیتفقهوا فی الدّین و لیتذرو و اقومهم اذا رجعوا الیهم لعلهم یحذرون و اما المدرس ایضاً فلیُحَصّلی العُلوم/ تدریسا و تدرسا تعلیما و تعلما لیتقوه و الانذار»^۸ و از این که از لوازم

۱. شنگرف، بخشی از آیه ۲۹، سوره رعد: خوشا بر احوال آنها و بازگشت و مقام نیکو آنها راست.

۲. شنگرف.

۳. شنگرف، حدیث امام باقر(ع): کسی که یک مسجد بنا کند - هرچند کوچک باشد - خداوند یک خانه در بهشت برای او بنا می نماید

۴. شنگرف، بخشی از آیه ۲۱، سوره توبه: در آنجا آنها را نعمت جاودانی است.

۵. شنگرف، آیه ۴، سوره جمعه: این فضل خداست که به هر کس بخواهد (و شایسته بداند) می بخشد، و خداوند صاحب فضل عظیم است

۶. شنگرف.

۷. شنگرف.

۸. شنگرف.



است تعیین شخصی امین، صالح، متوزع دانای کامل که متصدی/ امور متعلقه به آن در آتق و فاتق و آمر و ناهی و متولی تقسیم وظایف و مباشر تجدید اساس و تعمیر در حین ... باشد و آن که مصداق عدالت/ و ماصدق کیاست و فطانت بود از نسل و اعقاب واقفة محترمة موفقه منحصرأ فی قضاء الله و قدره علیجاه المخدرة المحترمة العلیة العالیة النجیبة/ المستوره تاج المخدرات قمرتاج خانم- دامت عقبتها و شوکتها- صبیبة مرضیة علیین آشیان طوبی مکان رضاقلی خان فخیم الدوله- طاب الله ثراه- تولیت آن را مفوض و محول نمود من جمیع الجهات و من حیث الوجوه به معظم الیها که از هر جهت و هر حیثیت مختاره و صاحب اختیار باشد / یعنی هر کس را قابل و عادل داند و سزاوار امانت و نماز جماعت در مسجد منصوب فرمایند که به امامت مسلمانان قیام نماید و به قدری که/ صلاح و قابل داند از مداخل موقوفات که تفصیل آن خواهد آمد به جهت او مقرر دارد و مدرسی به جهت تدریس و تعلیم معین نماید و وظیفه [ای]/ نیز به جهت او و هکذا مؤذن و خادم و متصدی امورات مدرسه و سالیانه ایشان و هر حجره را دو نفر اصل/ که قابل و استعداد این تعلیم و تعلم و تدریس و تدرس داشته باشند طلبه و صاحب استمراری و وظیفه قرار بدهند/ به شرط بیتوته که شبها در مدرسه مانده مشغول مطالعه و تحصیل بوده، تغافل از درس و بحث خود ننموده امدرسه را منزل و گذران/ امر معیشت خود قرار ندهند، گاهگاهی آمده در حجره نشسته ساعتی به عنوان تحصیل مشغول بوده بعد در حجره را قفل زده مانع از طلبة قابل/ و صاحب قوه و استعداد گردند و در هر پنج سال تجربه و امتحان طلب و محصلین مدرسه و اخراج غیرقابل و ادخال قابل با ملاحظه عدم ادخال شرار آن/ و اخراج آن شرط اعظم بوده و می باشد و یک نفر فرع، مگر آن که صلاح در زیادتیر یا کمتر داند و سالیانه یا ماهیانه یا یومیه «غایه المراد/ و نهایه المقصود فی تلك المواد آن که» ۲ کل اوامر و نواهی و منع و زجر و اذن و رخصت و ادخال و اخراج و عزل/ و نصب و خط و یا سطرأ و جمعأ از حیثیت مدرسه و مسجد موکول و مرجوع برای زرین و صلاح مستحکم متین معظم الیها/ می باشد دون ما یستثنی احدا و یقصد اخراج شئی من امرها و نهیها و منعها و زجرها و ایصالها و امتناعها/ و غیرذلک مما حرزا و لم یحرر و زبر ام لم یزبر «و ایضاً وقف مؤبد و حبس دائم مخلص فرموده خالصاً/ لوجهه الکریم و استجلأ بالواله الجسیم املاک همگی و تمامی» ۳ مفضلة مشخصة معینه محرره ضمن را به جهت

۱. اصل: نه نموده

۲. شنگرف.

۳. شنگرف.

وظایف مذکوره/ «مساحت» ۱ یک دانگ ملک از جمله دو دانگ مفروز از شش دانگ قریه سهرین ۲ من قراء زجانہ رود خمسه/ با کافّة منضّات و قاطبة حقوقات از دهکده و بیوتات و عمارات و تلال و جبال و عیون و انهار به هر اسم که باشد و حدائق/ و اشجار مثمره و غیرمثمره و کهول و کهوف ۳ و زاغه و مرايض احشام و اغنام و یونجه زار و علفخوار و چمن/ و مزارع مستقله و غیرمستقله بِأیّ اسم رسمت او سمیت و اراضی مائیه و دیمیه که فعلاً از مزارع و اراضی/ قریه مرقومه محسوب بوده و می‌باشد مستقلاً به اسمی نامیده شده و بیلاقات به هر اسم که باشد و فیفاء ۴ و بیداء ۵ و باغات/ مشجر و معتب ۶ و طواحين ۷ معموره و مخروبه به آی اسم سمیت و محل طواحين و قطعات به هر اسم که موسوم گردیده و کلاً/ یتعلق بها علی الرسم القديم و الوضع المتعارف بحیث لایستثنی منها شئی سواء سطر ... ام لم یسطر و ذکر ام لم یذکر/ در حالتی که مساحت مرقومه با مزارعات و ملحقات و مضافات آن هر یک محدود به حدود اربعه معینیه مشخصه معروفه بوده/ مستغنی از تحدید حدود می‌باشد «در وجه حضرات مسطوره و به مصارف و مخارج مدرسه و مسجد»/ و خرج تعمیر به مقتضای مصلحت و صوابدید متولیه- دامت توفیقاتها- چنان که سابقاً ذکر یافت که همچون روح در ملک بدن/ یا نازل منزله عقل کلّ که مدبران عالم اصغر و اکبرند در صورت عدم استقلال از جزوی و کلی متضمن/ مفسد عظیمه خواهد بود و در صورت اطلاق اختیار او ابصر است به صحّت و سقم امور و قدر قابلیت هر کس به این کیفیت/ که مادام مسجد و مدرسه را احتیاج به تعمیر نیست کلّ مداخل و منافع املاک و طواحين را به موجب تفصیل ذیل صرف وظیفه/ امام و طلاب و محصلین و مدرّس مدرسه و مؤدّن و خادم و مکتب و متصدی و مباشر دخل و خرج و سایر مباشران و کارکنان/ که ضرور و در کار باشند «امام جماعت» ۸ گندم سه خروار نقد دوازده تومان «طلاب و محصلین مدرسه» ۹ که دوازده حجره می‌باشند/ و در هر حجره دو نفر اصل که بیست چهار نفر می‌شود به هر یکی یک خروار گندم و چهار تومان نقد که عبارت باشد از بیست و چهار

۱. شنگرف.

۲. سهرین، روستایی از توابع بخش قره‌پشتلو زنجان.

۳. کهوف: غار (دهخدا)

۴. فیفاء: بیابان فراخ و بی آب (همان)

۵. بیداء: بیابان نرم و هموار و بی آب و علف. (همان)

۶. معتب: باغ انگور (همان)

۷. جمع طاحونه: آسیاب (همان)

۸. شنگرف

۹. شنگرف.



خروار گندم/ و نود و شش تومان نقد «متصدی امور مدرسه» گندم سه خروار و نقد دوازده تومان «مؤذن و خادم»^۱ گندم دو خروار/ نقد هشت تومان «روشنایی مسجد»^۲ دوازده تومان «برفاندازی و مکبر و پارو و جاروب»^۳ نقد ده تومان «روشنایی دوازده حجره»^۴ دوازده تومان و وجه گذران طلاّب به اقلّ ما یقنع هر قدر به هر کس مصلحت داند به قدر ضرورتهم و معاشهم علی قدر مراتبهم و زیّهم مقدّم بر سایر مصارف داشته برساند و از این که/ تشخیص حقّ التولیّه به جهات عدیده از لوازم و تعیین آن با واقفه است مقدار و مبلغ مفضلة معینة ضمن که عبارت است از عشر محصول و ماحصل و مداخل و منابع/ و مفضلات فوق یعنی به عبارت واضح ده یک جنس و نقد حاصل از املاک موقوفه به امضاء واقفه محترمه از جهت متولیّه معظمه -دامت عقّتها- معین گردید/ هرگاه فاضلی نیز بماند بعد از اخراج حقّ التولیّه و ایصال به همه اینها متولیّه محترمه مختاره است به این معنی که دهه عاشورا و ایام شبهای/ ماه مبارک رمضان را تعزیه‌داری نماید در مسجد و یا مدرسه موصوف غلیان و چایی و قهوه شود مگر این که صلاح مقتضی زیاده از اینها باشد اگر/ فاضلی بعد از اخراج و مصارف محرّره در فوق نیز بماند کتب علمیّه ابتیاع کرده به شخص امین متوزّع با تقوی محوّل و مرجوع داشته به موجب ثبت به محتاجین از محصلین/ داده به شرطی که از مدرسه خارج نمایند در هر ماهی و سالی به نظر همان شخص امین رسانده تجدید اذن و نظری نمایند و اگر ظروف لازمی محتاج‌الیه طلبه باشد مقرر فرمایند/ گرفته بدهند در صورت زیادی^۵ محصول و منافع املاک مسطوره از تمامی اخراجات و مصارف مفصّله مشرّحه در فوق زیادی را متولیّه محترمه در هر سالی جمع کرده ملک ابتیاع/ کرده محصول و منافع او را در مصارف و مخارج مسجد و مدرسه کما حرّز و سطر فی‌الفوق مصروف فرمایند و بعد از این که احتیاج به تعمیر افتاد اگر سالی است که معیشت بر مردم فراخ و نرخها/ ارزان است همه مداخل موقوفات را به مصرف تعمیر برساند الا حقّ التولیّه خود و وظیفه^۶ امام و مدرّس و مؤذن و خادم و طلاّب و هرگاه برخلاف ما ذکر که العیاذ بالله سالی است/ معیشت تنگ است و نرخها گران است نصف مداخل را به مصرف تعمیر مصروف دارند و نصف دیگر را به حضرات مذکوره/

۱. شنگرف.

۲. شنگرف.

۳. شنگرف.

۴. شنگرف.

۵. اصل: زیاتی

۶. وظیفه: حقوق (دهخدا)

و طلبه تقسیم فرماید و هر چی که در آبادی رعیت موقوفه و خود موقوفه از هر جهت و از هر حیث لازم داشته محتاج الیه است مراعات فرموده در آبادی استنکاف و مسامحه نفرمایند/ «صیغه وقف تمامی موقوفات فرداً فرداً بر هر یک جداگانه و علیحده وقوع و جریان یافت و اقباض متولیة محترمه گردید»^۱ / و او قبض و ضبط شرعی کرد و به عمل آورد و عمل به وقفیت فرموده هر یک از موقوف علیهم خطی که بالفعل می‌بایست برساند رسانیدند/ و کلّ شرایط صحّت و لزومات و ملزومات شرعیّه معمول شد «وقفاً خالصاً صحیحاً شرعیاً اسلامیاً به حیث لایمکن التّغیر و التّبدیل للوقف او لا / ... غیرها عاجلاً ام اجلاً حالاً او استقبلاً»^۲ و بعد از متولیة محترمه - حرّسها الله تعالی - مفوّض به اورع و اصلح و اتقی اولاد اوست/ و هكذا نسلأ بعد نسل و بطنأ بعد بطن، اولاد ذکور مقدّم بر اولاد اناث است و در صورت انقراض العیاذ بالله یا عدم عدالت و صلاحیت ایشان امر متولیة/ راست که در حال حیات خود شخص امین متدین عادل صالح را که شایسته و برازنده امر تولیت باشد و داند نصب و تعیین نماید/ که بعد فوتها مباشر این امور باشد و هكذا آن شخص نیز این قاعده را مرعی دارد و هكذا هر متولی در عهد و اوان و هر عصر و زمان/ و هر یک از متولیها در هر عهد و عصر اگر شایسته هر سه منصب باشد یعنی تولیت و امامت و تدریس او اولی است از غیر در صورتی که / هر سه را مباشر شود سه وظیفه حظّ او باشد و اگر منصب دو وظیفه نیز شود و اگر یک یک مگر در سال تعمیر که صاحب سه منصب و دو منصب به نصف مانع شود خلاصه/ برای واقفة محترمة موقّفه -دامت عقّتها- مادام الحیات تولیت قرار و معین شده که تصرف و مداخله در امورات مشروحه الفوق/ نماید بعد فوتها صبیة مرضیة صبیة محترمة واقفة معظمه راست استقلالاً تصرف داخله در تمامی امورات مخدّرة مشروحه که در فوق فمّن / بدّله بعد ما سمعه فانما اسمه علی الذین یبدّلونه والله واسع علیم انّ الینا ایاهم ثمّ اتّعلینا.

[سجّلات:]

۱. بسم الله خیر الاسماء الحمد لله علی الضمائر و السرادر و الصلوه علی محمد المبعوث علی القبائل و العشائر و اله علی الکرمین المنزهین عن الکبائر و الصغائر قد حصل الوقف بحد الاوقاف و شرائطها فیهِ المقرّره للمرقومه المحتومه بکافه لوازمها فی الصحه و

۱. اصل: علاحد
۲. شنگرف
۳. شنگرف



اللزوم و خلقها من النواقص و النوقض وقفه الواقف بمالها و مالها بالوقف المؤبد و الحبس المخلد حسبما زبر فی تلك الصحیفه الصحیحه لَدَى فی ثانی و عشرين شهر محرم الحرام و فی سنه ۱۳۲۶ / [مهر بیضی: عبده قوامالدين الموسوی

۲. بسم الله خير الاسماء و له الحمد و الصلوه على نبي المرسل و آله الاطهار بعد از تحقق توكيل از مخدّره محترمه علیّه جمیله خانم بنت المرحوم المغفور حسینقلی خان - طاب ثراه- عیال مرحوم رضا قلیخان فخیم الدوله- طاب ثراه- صیغه وقف على ما فصل فی الورقه اجرا گردیده و اقباض معتبر در وقف به عبارت اخرى عمل به وقف هم به اطلاع احقر شد مضافاً بر متن بر حسب توكيل واقفه محترمه در ضمن صیغه وقف ... نظر و حق اطلاع و رسیدگی برای جناب مستطاب فضایل نصاب سلیل الاطیاب آقا سیدقوام الدین قلتوقی- سلمه الله- مادام الحیاه بر او داده شد که متولیه محترمه عصر همه ساله به اطلاع و تصویب ایشان بر طبق تعیین و اقتضاء عمل نماید و مخدّره محترمه قمر تاج خانم صبیّه واقفه محترمه هم بعد از اطلاع تصدیق و قفیه و اعتراف بر صحت وقف نموده و احتیاطاً امضاء هم نموده حرّره الاحقر فی ۲۲ محرم الحرام ۱۳۲۶ لعن الله من بدّله ... [مهر مربع: عبده محمد الموسوی

۳. بسم الله العالم الواقف على السرائر و الضمائر قد وقع الوقف الحبس فی عبارت للمزبور و اطلاق المنفعه مع قاطبه الاحكام و الشرايط المعتبره فی الشرع الانور فی الصحّه و اللزوم المقرره و هو كذلك و انا الاقل [مهر بیضی: عبده محسن الموسوی

۴. هو الواقف على كل حال قد جرت صیغه الوقفیه الصحیحه الشرعیه بالعربیّه و الفارسیه على الاسلوب المقرّره و وقوع الوقف من الواقفه الموفقه مدّ لها فی عمرها السعید و العیش الرغید الی یوم الوعید على الشرائط العدید [مهر بیضی: عبدهالراجی محمدصادق)

۵. بسم الله تعالى قد جرت صیغه الوقف الصحیح الشرعی وکاله عن الواقفه الموفقه المؤیّده -دامت برکتها و طال بقائها على حسب ما فصل و سطر فی الورقه من تعیین المتولی و الناظر و تجدید الشروط و المصارف و غیرها من البدایه الی النهایه فی ۲۲ شهر محرم الحرام من شهور ۱۳۲۶ و ایضاً قد صدر قبض الوقف و العمل علیه به اطلاع من الاحقر فی التاريخ المزبور [مهر بیضی: الواثق بالله عبدالرحیم

۷. صیغه وقف حسبما رقم فی الورقه جریان پذیرفته عمل له وقف هم شد. حرّره فی التاريخ [مهر بیضی: عبده احمد

۸. بسم الله تعالى .حوته هذه الورقه الشريفه من الوقف والعمل بها و عبارت الصيغه مع الشروط المقرره لاريب فيه [مهر بيضى: عبده المذنب غلامرضا
۹. مسطورات متن و سجلات مرقومه مطابق اعتراف واقفه باشد و انا الاقل [مهر بيضى: على الموسوى
۱۰. از همشیره مکرّمه اقرار شنیدم در وقفیت یک دانگ از دو دانگ قریة سهرین ملكى خود را [مهر بيضى: ذوالفقار بن حسينقلی
- [حاشیه سمت چپ سند باخودکار آبی:] نمره ۲۲۴۱ ثبت دفتر معارف و اوقاف خمسه و سواد ضبط گردید. ۱۳۰۹/۱۲/۱۶
- [صدر سند:] تمبر دولت عليه وزارت عدليه مهر دفتر اوقاف
- حاشیه سمت چپ سند دارای دو مهر وصل مربع شکل با سجع ناخواناست.



کتابنامه

- بامداد، مهدی، شرح رجال ایران در قرن ۱۱ و ۱۲ و ۱۳، تهران: زوار، ۱۳۶۷.
- دهخدا، علی اکبر، لغتنامه دهخدا، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۸۵.
- عاقلی، باقر، شرح رجال سیاسی و نظامی معاصر ایران، تهران: نشر گفتار، ۱۳۸۰.
- قاسمی اندرود، پرستو (۱۳۹۳)، معرفی دو بانوی واقفدوره قاجار شهر زنجان، وقف میراث جاویدان، سال ۲۳، شماره ۸۵.
- قران کریم، مترجم مهدی الهی قمشه‌ای، تهران: دارا کتاب الاسلامیه، ۱۳۹۲.

